خراسان بزرگ:سال چهارم،شماره(۱۰)، بهار ۹۲
Quarterly Bulleting of Greater Khorasan:Vol.4, No. 10, Spring 2013

نقش گردشگری بر توسعه همگرایی های کشور های حوزه خراسان بزرگ

دکتر عزت الله عزتی[۱]، سجاد کریمی پاشاکی[۲]،سعیدرضا خلخالی[۳]

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲۰
تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۲۷

چکیده

قلمروهای تاریخی و فرهنگی ایران فراتر از مرزهای سیاسی موجود امروزی آن است. با نگاهی به گستردگی فرهنگی ایران در کشور های منطقه می توان دریافت که آداب و سنن و نیز تاریخ و فرهنگ مشترکی میان ایرانیان حاضر در گستره سیاسی فعلی ایران با مناطق پیرامونی این کشور وجود دارد. مناطق شرق و شمالی شرقی ایران که در بر دارنده میراثی کهن از فرهنگ ایرانی است می تواند به عنوان به وجود آورنده عوامل همگرایی فرهنگی ایفای نقش نماید. این محدوده که در واقع تحت عنوان خراسان بزرگ شناخته می شود در برگیرنده بخش هایی از کشورهای ایران، افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان است که با نگاهی به ظرفیت های گذشته و حال آن محلی برای برقراری تعاملات فرهنگی و اقتصادی کشورهای موجود محسوب می گردد، کشور هایی که امروزه جزئی از مجموعه کشورهای آسیای مرکزی محسوب می شوند، در برهه ای از زمان بخشی از قلمرو ایران بزرگ محسوب می شدند از این رو تحلیل عوامل همگرا درحوزه فرهنگ به خصوص با رویکرد توسعه گردشگری، می تواند وزن ژئوپلیتیک فرهنگی منطقه را افزایش دهد.
در این تحقیق با روش تحلیلی- توصیفی، ضمن بررسی ژئوپلیتیک فرهنگی خراسان بزرگ به نقش گردشگری در ایجاد همگرایی میان کشور های این حوزه اشاره نموده و چشم انداز توسعه گردشگری، بر مناسبات کشورهای حوزه خراسان بزرگ بررسی و تحلیل می گردد. نتایج حاصله بیانگر آن است که کشورهای حوزه خراسان بزرگ دارای قابلیت های خاصی در حوزه گردشگری می باشند که در صورت کاهش ریسک های موجود سیاسی، امنیتی و ... می توانند زمینه سازی گسترش همگرایی را در این حوزه دنبال نمایند.

واژگان کلیدی

خراسان بزرگ، همگرایی های منطقه ای، گردشگری، ژئوپولیتیک فرهنگی، آسیای مرکزی، قلمروهای تاریخی

۱.عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران
۲ نویسنده مسئول: دانشجوی دوره دکترای جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران sajadkarimipashaki@yahoo.com
۳. دانشجوی دوره دکترای جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران

مقدمه

امروزه گردشگری به عنوان یکی از مهمترین فعالیت های بشر محسوب شده که بخش‌های مختلفی از تولید و خدمات را در خدمت خود در آورده است. با توجه به این وسعت عملکردی، دولت‌ها نیز به فراخور محیط طبیعی و دست آوردهای انسانی برنامه ریزی‌های مختلفی را جهت جذب گردشگران مد نظر قرار داده و زمینه‌های توسعه سرمایه گذاری و اشتغال‌زایی را در این بخش به وجود می‌آورند. اما آنچه که گردشگران را به محیط‌های گردشگری فرا می‌خواند مجموعه‌ای از عوامل است که همگی آنان جهت تامین خواسته‌های گردشگران به کارگرفته می شود. امروزه علوم مختلف، صنایع و سیاست‌ها در قبال گردشگری افق‌های نامحدودی را در راستای جهان شمولی این صنعت به نمایش می‌گذارد. در واقع کارکردهای طبیعی و انسانی و روابط انسان و محیط، توده‌های انسانی را به محیط‌هایی فرا می‌خواند تا در آن اماکن اوقات فراغت خود را سپری نمایند. این نقل و انتقالات، تبادلاتِ مالی- سیاسی- اجتماعی و فرهنگی خاص خود را به همراه می آورند که باعث تأثیرگذاری بر مقوله گردشگری و تأثیر پذیری از آن می گردد. توجه به مکان‌های جغرافیایی به عنوان عاملی مهم در جلب گردشگر موجب اهمیت چندگانهُ این دسته از مکان‌ها شده است که گاهی اوقات علاوه بر اهمیت های دیگری همچون ژئوپلیتیک و یا استراتژیک، طرح می‌شود؛ اما افزوده شدن قابلیت گردشگری رویکرد متفاوتی را در کارکرد این مناطق بازگو نموده و کارکردهای انسانی خود عاملی برای به وجود آمدن چشم انداز[1] گردشگری می‌باشند. خراسان بزرگ به عنوان محل تلاقی فرهنگ های مشترک تمدن ایرانی می تواند جایگاه ویژه ای در ایجاد همگرایی های اقتصادی و فرهنگی کشور های محدوده خراسان بزرگ داشته باشد. عوامل مشترکی چون دین اسلام، فرهنگ ایرانی، زبان فارسی، مشاهیر مشترک و... علاوه بر عوامل و ظرفیت های اقتصادی موجود می تواند چشم انداز نوینی در ژئوپلیتیک منطقه پدید آورد. با توجه به نقش سنتی این منطقه در دسترسی به آسیای مرکزی از شمال و هندوچین از شرق و نیز ترکیه و اروپا از غرب و نیز خلیج فارس از جنوب، باعث شده است تا این منطقه به لحاظ محدوده جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در محور برخی تحولات قرار گیرد. جایگاه سیاسی و اقتصادی بالقوهُ این منطقه، با توجه به اهمیت خراسانِ ایران به عنوان کلید دسترسی به غرب و جنوب می تواند تأثیرات ویژه ای را بر جغرافیای سیاسی منطقه پدید آورد. لذا توجه به فصل های مشترک فرهنگی و اقتصادی کشور های منطقه با توجه به تنوع قومی و نیز مذهبی و احیاء عوامل موثر در ایجاد همگرایی می تواند ظرفیت های منطقه خراسان بزرگ را به عرصه ظهور برساند. توجه به توسعه گردشگری در میان کشورهای حوزه خراسان بزرگ می تواند با اتخاذ دیپلماسی سازنده در جهت همسو نمودن منافع مشترک حاصل از گردشگری میان کشور های واقع در این حوزه همانند: ایران، افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان زمینه های توسعه همگرایی های فرهنگی و اقتصادی را فراهم آورد.

روش تحقیق

این مقاله با روش تحلیلی- توصیفی و به کارگیری منابع کتابخانه ای تلاش می کند تا میان گردشگری و توسعه همگرایی در کشور های حوزه خراسان بزرگ ارتباط برقرار نماید.

مبانی نظری تحقیق

تبیین چارچوب های همگرایی های منطقه ای

همگرایی یکی از نظریات جدید در حوزه علوم سیاسی و روابط بین الملل به شمار می آید و پس از جنگ جهانی دوم جهت تحلیل و بررسی سیاست های منطقه ای و بین المللی مورد استفاده قرار گرفت. این نظریه در واقع بر آمده از تفکر و اندیشه گروه هایی بود که تعدد واحد های سیاسی و حاکمیت ملی دولت ها را سبب بروز جنگ ها می دانستند. لذا این گروه ها تمام تلاش خود را برای ایجاد سازمان های فرا ملی اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به کار گرفتند تا با ایجاد جو همکاری میان دولت ها، از سطح تعارضات و مناقشات منطقه ای کاسته شود. تحلیل نظریه هایی چون کارکرد گرایی، ارتباطات و فدرالیسم، در راستای همین هدف صورت گرفته است که بر اساس آن دولت ها در مسائل مشترک اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، دست به اقدامات همکاری جویانه می زنند. (ولایتی و سعیدمحمدی،۱۳۸۹: ۱۵۲) همگرایی سیاسی فرایندی است که طی آن واحد های سیاسی به طور داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف های مشترک صرفنظر کرده و از یک قدرت فوق ملی پیروی می کنند. اما نظریه پردازان همگرایی، بر سر تعریف دقیق این واژه، توافق کامل با یکدیگر ندارند. (آجرلو،۱۳۸۷،W)

واژه «همگرائی» در مقابل»واگرائی» قرار می گیرد. همگرائی فرایندی است که دولت ها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم، داوطلبانه از بخشی از اقتدار خود و اعمال آن جهت دستیابی به اهداف مشترکشان صرف نظر کرده و از

---

1. Landscape

یک قدرت برتر تبعیت می کنند.
در همگرائی تلاش بر این است که از عوامل اختلاف زا و زمینه های ناسیونالیستی، پایبندی به منافع ملی، مرزهای جغرافیایی و حتی حاکمیت مطلق کشورهای یک منطقه، به نفع اهداف جمعی و مشترک، کاسته شود و از طریق گسترش همکاریهای فنی و تکنیکی، اقتصادی و تجاری، عقیدتی و فرهنگی و حتی سیاسی به ایجاد صلح و آرامش در منطقه و نهایتاً در سطح جهان کمک گردد. در اغلب موارد، از همگرائی به عنوان شیوه ای برای حل و فصل درگیری های منطقه ای و بین المللی یاد شده است که طی آن بتدریج همه واحدهای سیاسی را در بر می گیرد و در بلند مدت باعث بسط و گسترش «جهانی شدن» می شود. به رغم وجود اختلاف نظرهایی درمورد متغیرهای اصلی همگرائی، بسیاری از پژوهشگران درباره موضوعاتی چون نقش نهادها و نخبگان، کمّ و کیف مبادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ایجاد نوعی اجتماع فوق ملی و حرکت های یکپارچه کننده و انسجام دهنده، دارای دیدگاهها و نظرات مشترکی هستند. (کریمی،۱۳۸۹: ۱۷)
همگرایی از مفاهیم مهم در علوم روابط بین الملل و ژئوپلیتیک است. در معنای ساده، همگرایی به معنی پیوستن، نزدیکی و پیوستگی است و همگرایی سیاسی فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به طور داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرفنظر کرده و از یک قدرت فوق ملی پیروی می کنند. مفهوم همگرایی عمدتاً از سال ۱۹۴۵میلادی در چارچوب منطقه گرایی در اروپای غربی مطرح شد و از دهه ۱۹۵۰میلادی با آن برخورد جدی بعمل آمد. (قوام،۱۳۹۰: ۴۴) همگرایی به معنای نزدیکی و به هم پیوستگی معنی شده است، و در متون روابط بین الملل همگرایی سیاسی را مدیون مفهوم کارکردگرایی و نو کارکردگرایی می دانند. (دوئرتی و فالتزگراف،۱۳۸۴: ۶۶۶) این واژه به منظور نشان دادن تمایل سیاسی برای همبستگی در حوزه های مختلف از دیدگاه سیاسی کاربرد داشته و به لحاظ مفهومی، در مقابل واگرایی قرار دارد و نوعاً در علوم انسانی به کار می رود. همگرایی در فرهنگ لغات آکسفورد به دو صورت تعریف شده است:
یک. ترکیب دو چیز در یکدیگر به طوری که یکی بخش تفکیک ناپذیر دیگری شود؛
دو. عضویت کامل یک فرد در یک جامعه. (ولایتی و سیعدمحمدی،۱۳۸۹: ۱۵۳)
همگرایی در علوم سیاسی عبارت است از، فرآیندی که طی آن دولت ها یا واحد های سیاسی برای دسترسی به اهداف مشترک خود، به طور داوطلبانه و آگاهانه، بخشی از حاکمیت و اقتدار ملی خود را به یک مرکز فرا ملی واگذار می کنند. (کاظمی،۱۳۷۹: ۳) بدین سبب است که در روابط بین الملل شکل گیری سازمان های منطقه ای و یا سازه های ژئوپلیتیک برآمده از ایجاد همبستگی سیاسی در فاکتور های مشترک به منظور کسب اهداف دسته جمعی می باشد.
همگرایی در یک منطقه بیانگر فرآیند کنش متقابل مثبت بین واحد های ملی برای بهره مندی جمعی از بهره های سیاسی، اقتصادی و امنیتی است.(مجیدی و دیگران،۱۳۸۷: ۱۱) ادغام های منطقه ای تلاشی هستند برآمده از احساس همگرایی، به همین منظور، تلاش دولت ها برای فرا رفتن از مرزهای ملی خود در جهت پیوستن به یک اجماع بزرگتر نشان دهنده پویایی آن جهت ادامه حیات واحد های سیاسی و اقتصادی خود می باشد. همگرایی هم می تواند به عنوان فرآیند و هم وضعیت تعریف شود. وضعیت همگرایی یعنی شرایطی که در آن کنشگران به یک اجتماع جدید میرسند. فرآیند یا فرآیندهای دخیل در آن نیز عبارتند از؛ وسایل وابزاری که این اجتماع از طریق آنها حاصل می شود.(مشیر زاده،۱۳۸۹: ۴۰) با توجه به بسط واقعگرایانه جهانی شدن در ابعاد مختلف، می توان لزوم پیوستن به اجماعاتی بزرگتر از واحد های ملی را دلیلی برای رقابت های اقتصادی و سیاسی کشورها دانست. همگرایی های منطقه ای در جهانی که ژئواکونومی بر ژئواستراتژی ارجحیت یافته است بر محور های اقتصادی و نیل به چنین اهدافی استوار است. لذا در این راستا مناطق ژئوپلیتیک تعریفی اقتصادی یافته اند.
بر اساس مدل لانگن هوو۱ ایجاد همگرایی های منطقه ای باید تابع ۸فاکتور به شرح ذیل باشد:
تقویت همگرایی تجاری در منطقه
ایجاد فضای توسعه بخش خصوصی
توسعه برنامه های زیربنایی در حمایت از رشد اقتصادی و همگرایی منطقه ای
توسعه بخش های عمومی قوی و حکومت خوب
کاهش محرومیت اجتماعی و توسعه فراگیر جامعه مدنی
کمک به صلح و امنیت در منطقه
پیگیری برنامه های محیط زیست در سطح منطقه
تقویت تعامل منطقه ای با دیگر نقاط جهان.(Van Ginkel and Van Langenhove,۲۰۰۳:۵)
همگرایی های منطقه ای به چهار بخش ذیل تقسیم می شوند:
همگرایی سیاسی
همگرایی اجتماعی
همگرایی اقتصادی

1. Langen hove

همگرایی ایستاری(کولایی،۱۳۷۹:۱۵۸تا۱۵۶)
همگرایی سیاسی: فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به طور داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرفنظر کرده از یک قدرت فوق ملی پیروی می کنند. منظور از همگرایی سیاسی، همگرایی در نهاد ها یا سیاست واحد های مختلف سیاسی می باشد. (کولایی، ۱۳۷۹: ۱۵۶)
همگرایی اجتماعی: این نوع از همگرایی به منظور ساخت بستر های لازم برای توسعه روابط به خصوص رشد در سایر همگرایی ها از جمله اقتصادی مد نظر قرار می گیرد. در واقع همگرایی اجتماعی بیشتر به ارتباطات فردی، اشکال مختلف آن مانند، تجارت، توریسم، ارتباطات پستی و مخابراتی و امثال آن توجه دارد.(کولایی،۱۳۷۹: ۱۵۷)
همگرایی اقتصادی: جلب اشتراکات اقتصادی کشور های یک منطقه به منظور فعالیت های تجاری و ارتقای سطح مناسبات اقتصادی و همچنین ایجاد ساز و کار های لازم بمنظور ایجاد یک صحنه مبادلات فراملی، همگرایی اقتصادی نامیده می شود. کشور ها در این دسته از همگرایی با حذف موانع گمرکی و ترانزیت و یا ایجاد پول واحد اقدام به توسعه سطح روابط اقتصادی میان خود می نمایند.(فرجی راد و کریمی پاشاکی و بابائی،۱۳۹۲: ۱۳۳)
همگرایی ایستاری: منظور از این نوع همگرایی، میزان قابلیت انطباق ایستارها در یک زمان خاص است. توسعه ادراک هویت مشترک و افزایش تعهد متقابل در این مورد مطرح می گردد. (کولایی،۱۳۷۹: ۱۵۸)

تاثیر گردشگری بر فرهنگ

اگرچه تعاریف و تفاسیر مختلف و متعددی از گردشگری مطرح شده است اما ویژگی همه آنها حرکت است، حرکتی که به مفهوم حمل و نقل مطرح می شود و به عبارتی بُعد مکان را در گردشگری عمق می بخشد، حرکت از مکانی به مکان دیگر با مقاصد زیارتی، تفریحی، علمی، تجاری و .... حدود ماهیت گردشگری چنان است که خود زمینه ای تخصصی در علم جغرافیا و نیز برنامه ریزی تشکیل داده و روابط آن با محیط طبیعی و از سوی دیگر فعل و انفعالات انسانی باعث به وجود آمدن چشم انداز متنوع در مناطق مختلف جهان شده است. دگرگونی و تغییرات حاصل از فعالیت های انسانی به منظور بهره برداری از محیط های طبیعی و یا انسان ساخت که در ارتباط تنگاتنگی با جغرافیا بوده باعث شده است که علیرغم مد نظر گرفتن جریانات سرمایه ای و همراهی ساختار های اقتصادی در امور گردشگری، فرهنگ نیز سهم خود را داشته باشد. محیط های گردشگری با توجه به استقبال گردشگران داخلی و نیز بین المللی جایگاهی برای تعامل و اشاعه فرهنگ ها به حساب آورده می شود.
فوسن ۱و لافرتی۲ در مقاله ای به ارزیابی ظرفیت جوامع محلی و دولت های فرعی ملی در نفوذ الگوهای توسعه صنعت گردشگری، در چارچوب یک اقتصاد جهانی شده پرداخته اند که اشاره دارد به اهمیت برنامه ریزی و پروسه های سیاسی که منافع جامعه را به منظور دستیابی به توسعه گردشگری بلند مدت پایدار ادغام می کند و اذعان می کند تنظیم مؤثر در توسعه می تواند اثرات شدید زیست محیطی و اجتماعی گردشگری را به حداقل رساند. (Fossen and Lafferty,۲۰۰۱:۱۹۸-۲۱۱) می توان جوامع محلی را همان تنوع فرهنگی حاشیه خلیج فارس تعبیر کرد که آن گاه نه تنها مهر تاییدی بر زمینه ساز بودن توسعه صنعت گردشگری است بلکه از اهمیت الگوهای فرهنگی در برنامه ریزی سیاسی به منظور توسعه این صنعت حکایت دارد.
ساختار های شکل دهنده یک محیط گردشگری بر گرفته از کارکرد ها و رفتارهای انسانی می باشد که مشخص کننده دخالت فرهنگ در ساز و کارهای جدید می باشد. از این رو مسائل و امکانات گذشته انسان، انتخاب و تصرف فعلی او از محیط های مسکونی هم چنین کیفیت عامل بالقوه انسانی در آینده نتیجه خصیصه های پیچیده هر ناحیه فرهنگی است که شناخت آنها در جغرافیای فرهنگی بسیار ضروری است. (شکویی،۱۳۷۷: ۱۱۹-۱۱۸) خصیصه های جاری فرهنگی در محیط های جغرافیایی که افراد به عنوان بازدید کننده و یا گردشگر در آنجا حضور دارند، نمود یافته و از سطح درونی، به بیرونی منتقل می شود. بنابراین دو حالت تاثیر گذاری جغرافیای فرهنگی بر گردشگری مورد توجه قرار می گیرد:
۱- تغییرات محیطی
۲- رفتار های فرهنگی
۱- تغییرات محیطی: هر محیط جغرافیایی که در آن انسان حضور داشته تغییراتی را ناشی از عوامل مختلفی چون فرهنگ –امنیت-اقتصاد و... تجربه می نماید. تغییر و تحول در محیط های زندگی گاه منجر به خلق آثار و ابنیه هایی می شود که منجر به جلب گردشگران می گردد. از این رو میزان پویایی فرهنگی هر اجتماع می تواند زمینه ها را برای جذب گردشگر فراهم آورد. چه بسا تاثیرات فرهنگی انسانها در محیط طبیعی به هدفی تبدیل شود که گردشگران را برای دیدن این تحولات و تاثیرات تشویق نماید. از این رو نمی توان جنبه های متقابل کارکردی انسان و محیط

---
1. Fossen
2. Lafferty

جغرافیایی را در امر گردشـــگری نادیده گرفت. گردشـــگری پاســـخی به نیاز فطرت جســـتجوگر انســـان به کشف اسرار زندگی گذشـــتگان، آشـــنایی با فرهنگ ملـــل دیگر و گریز از یکنواختی محیـــط کار و زندگی معمولی اســـت؛ از این رو گردشگری فعالیتی فرهنگی است.(کاظمی،۱۳۸۶: ۱۴۹)

۲- رفتار هـــای فرهنگی: گردشـــگری به عنـــوان یک امر فرهنگی در دوســـوی جریان گردشـــگری در یـــک مکان، تعامل ها و تبادل ها را سبب می شـــود و با انسان ها، انگیزه ها و خواســـته ها، نیاز ها و آرزوهای آنها که منبعث از فرهنگ جامعه است در ارتباط است.(پاپلی یزدی و سقایی،۱۳۸۶: ۸۹) بنابراین نمی توان منکر تعامل یـــا تصادم فرهنگی در محیط های گردشگری شد هر چند سیاســـت گذاری بر پایه رفع هر گونه عوامل دفع کننده گردشـــگر قرار می گیرد اما تغییرات فرهنگی جوامع خصوصا تغییرات در آداب و رســـوم و سنت هایی که آن اجتماع در جریان اســـت، به مشقت هایی همراه اســـت که در صورت عدم انعطاف پذیری مـــی تواند عاملی در رکود گردشـــگری محســـوب گردد. مجموعه رفتار های فرهنگی متقابل میان میزبانان و گردشـــگران که در محیط های گردشگری بروز می کند چالشـــی است که در صورت عدم تمهید تصمیمات مناســـب مشـــکل ســـاز خواهد شد. مجموعه این رفتار ها بر چشـــم انداز جغرافیای فرهنگی آن ناحیه تاثیر می گذارد.

در یک نگاه کلی مـــی توان گفت تأُثیر گردشـــگری آنچنان عمیق است که باعث می شود فرهنگ ها به هم پیوند خورده و به یکدیگر نزدیک شـــود، هر چند وجود رسانه های جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، شـــبکه های ماهـــواره ای و فضای مجازی و ... انجام ایـــن کار را تا حدودی به عهـــده دارند اما گردشگری وسیله ایســـت که باعث می شود جوامع مختلف علاوه بر فرهنـــگ غالب در اجتماع مقصد بـــا خرده فرهنگ های آن نیز آشـــنا شـــوند که این امر از طریق رسانه ها کمتر ممکن است و به مشـــاهده و برخورد نزدیک نیاز است.(توده روستا،۱۳۹۰: anthropology.ir)

گردشگری و همگرایی فرهنگی

دو دیدگاه غالب در تعامل فرهنگی و گردشـــگری بین المللی وجود دارد:

گروهی معتقدند رشد و توسعه گردشگری و تبدیل آن به یک صنعت سازمان یافته، فرهنگ انسانها را از بعد معنوی و مادی توسعه می دهد. توســـعه صنایع و فعالیت های خدماتی نظیر فنون بازاریابی تخصصی، خدمات پـــروازی و حمل و نقل به ویژه رشد و توســـعه صنایع کوچک را به دنبال خواهد داشت. همچنین رشد و توسعه گردشـــگری باعث کاهش تضادها و افزایش نوآوری و شـــکوفایی جوامع می شـــود. گردشگری به درک بیشـــتر فرهنگهای متنوع جهان و توسعه فرهنگی کمک می کند. بر اســـاس این دیدگاه، توســـعه گردشگری راهی به ســـوی تبادل و تعامل فرهنگی و ارتبـــاط بین اقوام و ملل گوناگون که توســـعه فرهنگی و شـــکوفایی اقتصادی واجتماعی را فراهم می سازد.

در مقابل، مخالفین این گروه معتقدند که با ورود گردشگران، چالش های فرهنگی افزایش مـــی یابد. آنان بر این باورند که گردشگر در زمان مســـافرت و گذاران تعطیلات خود، انتظار آسایش بیشـــتر از جامعه میزبان را دارد و در نتیجه پیامدهای مخرب اجتماعـــی و فرهنگی بر جامعه میزبـــان به جای می گذارد، از جمله این تاثیرات به ابتذال کشیدن مقدسات، ارزش ها و باور ها در جوامع می باشد.

راتز تامارا، در سال ۲۰۰۲، در پژوهشی در این مورد، مهمترین اثر تعامـــل فرهنگی گردشـــگران و جامعه میزبـــان را تقلید ســـاکنین محلی از رفتار گردشگران دانســـت. از پیامدهای این تقلید رفتاری مـــی توان به تغییر در کاربـــرد زبان، لباس و فرهنگ و یا کمک به فزونی ناهنجـــاری های اجتماعی از جمله فحشا و قمارو تغیرات اشکال مادی و غیر مادی فرهنگ محلی اشاره کرد((Tamara, ۲۰۰۲:۱۹

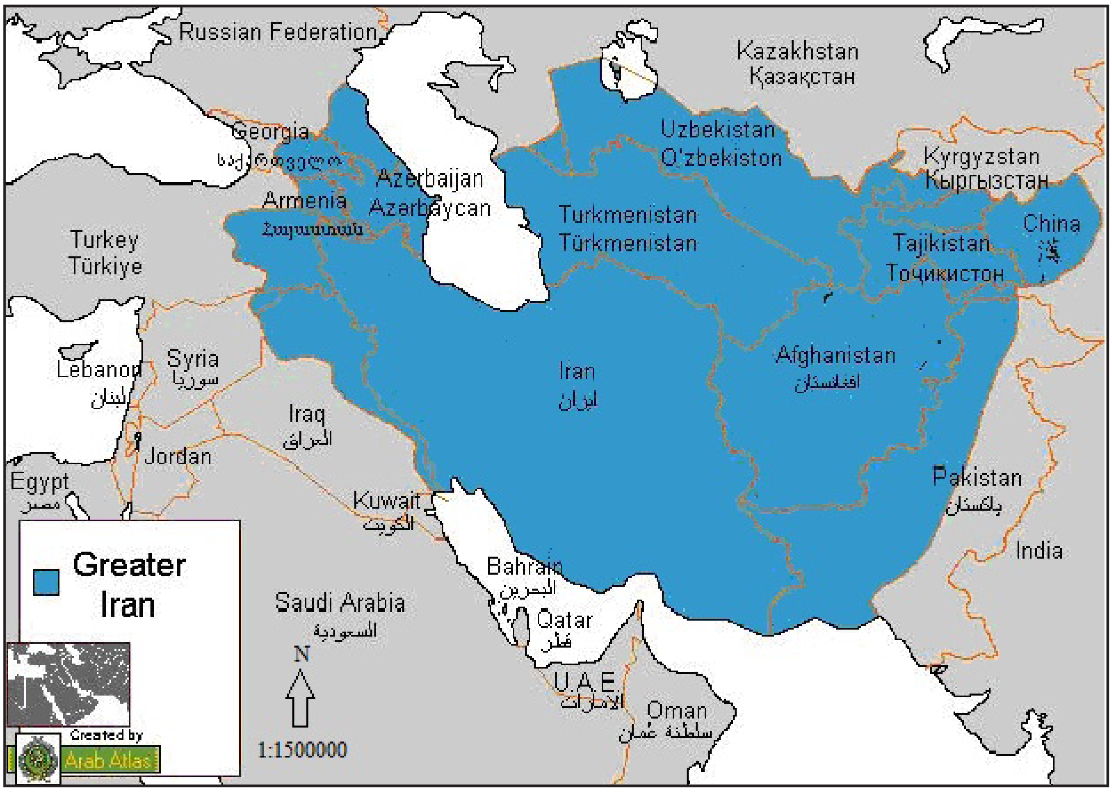
غالباً فرهنگهای ضعیف خیلی زود تحت تأثیر قرار می گیرند و از فرهنگ گردشگران هر آنچه خوب و بد باشد را یاد گرفته و دچار اضمحلال فرهنگی می شـــوند. امـــا فعل و انفعالات گردشـــگری میان جوامعی که اشـــتر کات فرهنگی زیادی با هم دارند، آســـیبهای کمتری را به دنبال دارد. به بیان دیگر، دیدگاه افراد مخالف توســـعه گردشـــگری، حداقل در مورد کشورهای با اشتراکات فرهنگی بســـیار، دیدگاه قابل قبولی نیســـت، زیرا تأثیرات منفی اجتماعی و فرهنگی گردشگری، ناشی از ضعف برنامه ریزی و مدیریت گردشگری است. اگر گردشـــگری با برنامه ریزی و مدیریت صحیح و مناسب اداره شود، آثار مخرب آن بســـیار اندکی و ناچیز می شود. از طرف دیگر، اشتراکات فرهنگی، عناصر خلاق و خودجوش و بنیان نیرومنـــدی دارد که اگر به خوبی مطرح و پیاده شـــود، ضمن حفظ هویت و یکپارچگی خود، می تواند از ویژگی های سایر فرهنگ ها بهره برده و با به روز کردن مســـائل، برنامه ریزی و مدیریت مناسب بین فرهنگی را توســـعه و گسترش دهد. (کاظمی زاده و دیگران،۱۳۸۸: ۱۱-۱۰)

یافته های تحقیق

قلمروهای تمدنی گردشگری ایران

ایران با قدمت تمدنی چندین هزار ســـاله بـــه عنوان یکی از تمدن های کهن جهان محســـوب می گردد که آثار به جای

مانده از گذشـــته گواهی دهنده این قدمت و تاریخ است. اما آنچه که بررسی تمدن ایرانی نشان می دهد آن است که حوزه های نفوذ و گســـترش این تمدن فراتر از مرزهای سیاســـی جغرافیایی چه در زمان گذشته و حال می باشد. بدان معنا که قرابت فرهنگی میان ملل همسایه و تمدن ایرانی امروزه نیز باعث ایجاد نوعی همگرایی فرهنگی گردیده و حتی بسیاری از رسوم کهن ایرانی در کشور های همسایه برقرار است. این ظرفیت مهم بیانگر حـــوزه نفوذ تمدنـــی و فرهنگ ایران در کشور های همسایه و حتی فرا همســـایه است. از مولفه های این اشـــتراک می توان به؛ تاریخ، زبان، دین، مذهب، آداب و سنن، مکتوبات، مشاهیر و... اشاره نمود. این ویژگی ها منجر به شکل گیری ژئوپلیتیک فرهنگی به منظور ارتقای ضریب نفوذ سیاسی گردیده است. در نقشه شـــماره ۱ قلمرو تمدنی ایران ترسیم شده است.



نقشه شماره ۱) پهنای حوزه تمدنی ایران

http://se۷en۵persiangig.com/image/iran۲۰map/iran۲۰(۲۱).JPG

۱. حوزه گسترش تمدنی- تاریخی ایران

۲. حوزه گسترش مذهب تشیع

۱. حوزه گســـترش تمدنی- تاریخی ایران: بررسی گسترش حوزه تمدنی- تاریخی ایران خود به چنـــد منطقه جغرافیایی خاص به شرح زیر تقسیم بندی می شود:

الف: شمال و شـــرق دریای خزر: حوزه آسیای مرکزی: شامل کشور های: ترکمنستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان

ب: شـــمال و غرب دریای خزر: کشـــور های حـــوزه قفقاز: آذربایجان، گرجستان، ارمنستان

ج: شمال غربی: کشور ترکیه میراث دار تمدن عثمانی

د: غرب و جنوب: حوزه تمدنی عرب شامل کشور های حاشیه خلیج فارس

هـ: شرق: امتداد قلمرو تمدنی ایرانی در افغانستان و پاکستان

بررسی حوزه تمدنی ایران از دو جنبه ذیل قابل بررسی است:

حوزه گســـترش مذهب تشـــیع: کشـــور هایی که به لحاظ فرهنگی و مذهبی دارای علایق مذهب تشـــیع می باشـــند شامل:

شمال: شامل کشـــورهای: آذربایجان، گرجســـتان(منطقه ابخازیا) و ایالت خودمختار داغستان

غرب: شامل کشور عراق

جنوب: شامل کشور های بحرین و شیعیان عربستان سعودی

شرق شامل: شیعیان کشور های افغانستان و پاکستان

با توجه به موضوعیت مشـــترک فرهنگی میان کشـــور های حوزه تمدنی ایران و نیز از ســـوی دیگر تاثیر مذهب تشیع در ایجاد همگرایی میان کشور های ذکر شـــده به نظر می رسد ظرفیت بالای ایجاد روابط میان کشـــور هـــای مذکور بتواند تاثیر مهمی در سیاست گذاری های گردشگری منطقه ای ایفا نماید. لازم به توضیح است که کشور های حاشیه خلیج فارس

میراث دار تمدنی عربی و مشترک در تمدن اسلامی می باشند لذا خلیج فارس به عنوان مرز میان تمدن ایرانی و تمدن عربی ایفای نقش می نماید.

اگرچه ترکیه به عنوان میراث دار امپراطوری عثمانی شناخته می شود اما باید توجه داشت که فروپاشی امپراطوری عثمانی به چندین کشـــور از به ارث رســـیدن متمرکز قدرت به ترکیه فعلی جلوگیری کرد، لـــذا روابط فرهنگی متقابلِ بر اســـاس تمدن اســـلامی قابل پایه ریزی اســـت مضافاً که اشـــراف تمدن اسلامی در کشـــور های عنوان شـــده خود می تواند از عوامل همگرایی های فرهنگی به شـــمار آید. از سوی دیگر طی طرحی که در سال ۱۳۸۲ داده شـــده بود پیشنهاد گردید اتحادیه ای تحت عنوان: اتحادیه کشورهای میراث دار تمدن ایرانی تأسـیس گردد تا بتواند اهدافی چون اطلاع رســـانی و آشنایی شهروندان کشـــورهای عضو با فرهنگ و جاذبه های گردشگری هر یک از اعضا را فراهم نموده و زمینه ساز تسهیل شرایط و امکانات برای مسافرت های سیاحتی و زیارتی گردد، تا هدف گســـترش گردشـــگری و رونق صنعت توریسم بین کشـــورهای عضو اتحادیه و تقویت پیوند های فرهنگی بین ملت های آن، لحاظ گردد.(رمضانی خردمری، ۱۳۹۰)

جغرافیای خراسان بزرگ

منطقه خراســـان بزرگ در برگیرنده ۶ کشـــور مستقل می باشد که غالباً همه آنها در زمانی جزئی از خاک ایران بزرگ به شـــمار می آمدند. پس از فرو پاشی شوروی سابق، کشور های ترکمنستان، ازبکســـتان، قرقیزستان و تاجیکستان به عنوان جمهوری های تازه استقلال یافته توانستند به عنوان کشوری مجزاء در نقشه سیاسی جهان پدید آیند. افغانستان نیز در سال ۱۹۱۹ استقلال خویش را مقدم تر از کشور های آسیای مرکزی به دســـت آورد. کشـــورهای این محدوده شـــامل؛ جمعیتی بالغ بر ۱۵۰ میلیون نفر و وســـعتی بیش از ۳۵۳۴۰۰۰ متر مربع را در بر می گیرند. منطقه خراســـان بزرگ با توجه به برخورداری از پیشینه تمدنی و ژئوپلیتیک خاص خود، همواره در طول تاریـــخ مورد توجه قدرت های ملی، منطقه ای و حتی فرا منطقه ای قرار داشـــته است. به دلیل وجود ذخایر وسیع انرژی در ســـواحل دریای کاسپین و نیز قرار گرفتن ایران و ترکمنســـتان در سواحل این دریا، وزن ژئوپلیتیک منطقه ارتقاء یافته، این در حالی اســـت که خطوطِ لوله های انرژی خود توانســـته اند جغرافیای منطقه را متأثر از خویش نماینـــد. علاوه بر اهمیـــت ژئوپلیتیک، پیشینه فرهنگی و تمدنی ایران باستان که به عنوان میراثی مشترک میان کشور های خراسان بزرگ پذیرفته شده است توانســـته اهمیت ژئوپلیتیک فرهنگی را در منطقه برجسته نماید. اشـــتراکات فراوان فرهنگی و تمدنی در کنار ظرفیت های اقتصادی چشـــم انداز نوینـــی در ژئوپلیتیک منطقه را فراهم می آورد. (عزتی و قاســـمیان و کریمی پاشـــاکی، ۱۳۹۱: ۶۴)

جدول ۱) مشخصات کشورهای حوزه خراسان بزرگ استخراج: مولفین

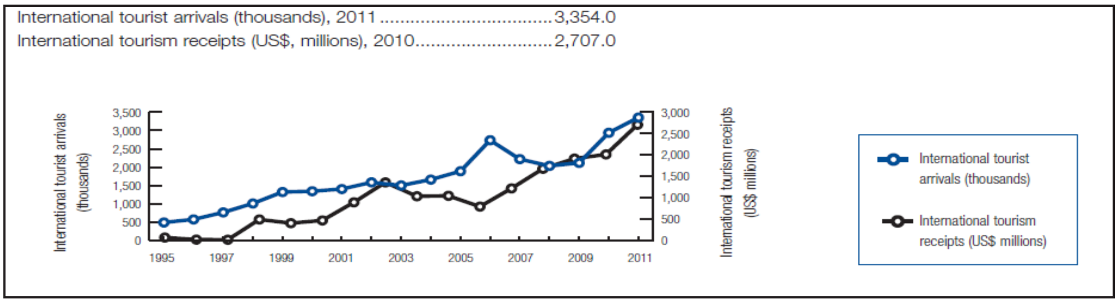
ردیف	نام کشور	جمعیت	مساحت	سرانه تولید ناخالص ملی(به دلار)	دین غالب	زبان رسمی
۱	ایران	۷۷۱۸۹۶۶۹	۱۶۴۸۱۹۵	۴,۲۶۱	اسلام	فارسی
۲	افغانستان	۲۸۳۹۵۷۱۶	۶۴۷۵۰۰	۱	اسلام	فارسی دری و پشتو
۳	تاجیکستان	۷۲۱۵۷۰۰	۱۴۳۱۰۰	۸۴۲,۱۰	اسلام	تاجیکی و فارسی
۴	ازبکستان	۲۷۳۷۲۰۰۰	۴۴۷۴۰۰	۲,۳۸۹	اسلام	ازبکی
۵	قرقیزستان	۵۴۸۲۰۰۰	۱۹۹۹۰۰	۱,۲۰	اسلام	روسی و قرقیزی
۶	ترکمنستان	۵۱۱۰۰۲۳	۴۴۸۱۰۰	۵,۱۷۱	اسلام	ترکمنی

قدرت فرهنگی ناشـــی از این تمدن در بروز برخی از همگرایی های فی مابین میان کشـــور های منطقه موثر بوده است. همجواری این منطقه با حوزه ژئوپلیتیکی آســـیای مرکزی و نیز قفقاز از سویی و نیز ارتباط با حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس و نیز مرزهای مشترک تا هند و چین مبین توانمندی توسعه اقتصادی و فرهنگی کشور های منطقه به شرط ایجاد همگرایی به جای واگرایی است.

گردشگری در کشورهای حوزه خراسان بزرگ

ایران

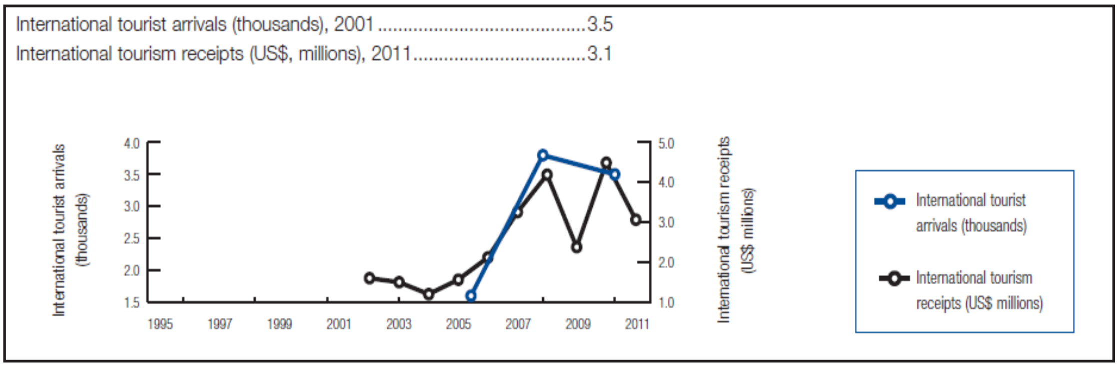
با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران و نیز قرار گرفتن در منطقه کشورهای جنوب غرب آســـیا و همچنین وجود توانمندی های فرهنگی و تمدنی این کشور، همگی بازگو کننده ظرفیت های بالقوه این کشور در موضوعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می باشد که هنوز بسیاری از آنها به مرحله ظهور نرسیده اند. جمعیت بالغ بر ۷۵ میلیون نفر و اقلیم متنوع جغرافیایی و همچنین اماکن مهم تاریخی، اکوتوریسم و.... می تواند نقش به سزایی در توسعه گردشگری منطقه ای ایفا نماید. گستره وسیع تمدنی ایران در سایر کشورهای پیرامونی باعث شده است که ملت های منطقه به خصوص در حوزه خراسان بزرگ، برای فرهنگ و تاریخ، مشاهیر ایرانی و... نقش ویژه ای قائل شوند. نمودار شماره ۱ بیانگر وضعیت جذب گردشگران بین المللی ایران از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ می باشـــد. از آنجائیکه قسمت شرق و شمال شـــرق ایران در محدوده جغرافیایی خراسان بزرگ می باشد و با توجه به ســـابقه تاریخی و فرهنگی خراسان، این بخش از کشور موقعیتی مناسب برای ایجاد نوعی همگرایی با کشورهای پیرامونی ایجاد کرده اســـت. نمودار شـــماره ۱ نشانگر رشـــد نسبی گردشگر خارجی از سال ۱۹۹۵ تا کنون بوده که خود چشم اندازی روشن برای رشد گردشـــگری خارجی به خصوص در حوزه کشورهای خراسان بزرگ قلمداد می شود.



نمودار شماره ۱) وضعیت جذب گردشگران بین المللی در کشور ایران (۲۰۱۱-۱۹۹۵) (UNWTO, ۲۰۱۳:۲۲۰)

تاجیکستان

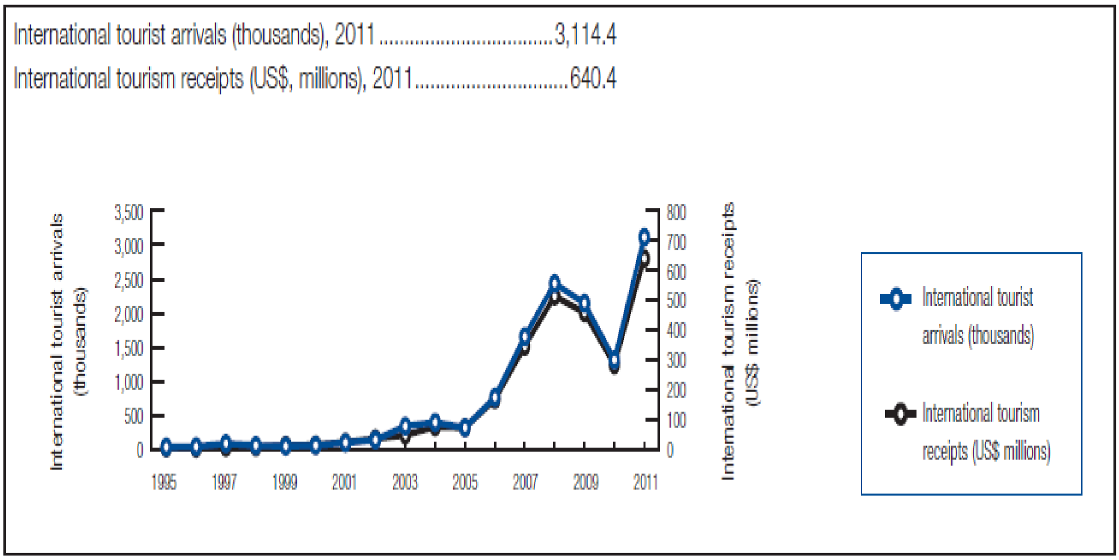
تاجیکستان یکی از کشـــور های آســـیای مرکزی است که در منطقه شمالی کشـــورهای حوزه خراســـان بزرگ جای گرفته است. این کشور در تاریخ باستان جزئی از ایران بزرگ محسوب می گشت از این رو بســـیاری از مظاهر فرهنگی و تاریخی کهن ایرانی در آداب و رسوم و فرهنگ ملی و محلی تجلی یافته است. وجود شـــهرهای تاریخی چون خُجند و مقبره های مشاهیری چون عبدالقادر گیلانی، عبداله رودکی و همچنین زبان فارسی و اعیاد ملی چون عید نوروز از ویژگی های این کشور در استقبال گردشـــگران می باشـــند. وضعیت گردشـــگری بین المللی در تاجیکستان در نمودار شماره ۲ نشـــان داده شده است. بر اساس آمار های اعلام شده، گردشـــگری در این کشور دارای نوسانات ملموســـی می باشـــد که این موضوع بازگو کننـــده عدم وجود سیاست مشخص در عرصه جذب گردشگر می باشد.



نمودار شماره ۲) وضعیت جذب گردشگران بین المللی در کشور تاجیکستان (۲۰۱۱-۲۰۰۲) (UNWTO, ۲۰۱۳:۳۳٤)

قرقیزستان

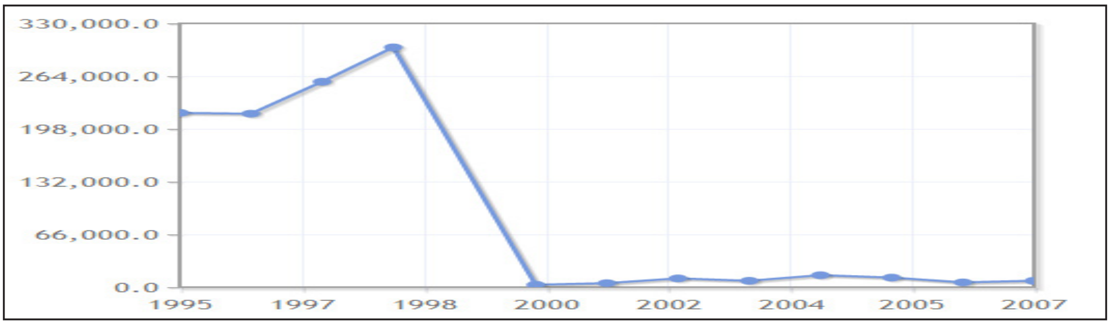
در سال های اخیر گردشگری در قرقیزستان به طور ثابت رشد داشته است. هر چند که این رشـــد به واسطه بحران اقتصادی جهانی و به دلیل آشـــوب هـــای قومی کاهش نسبی را به خود گرفته است.(علیوا،۲۰۱۱) مسئولان این کشور در تلاشـــند تا با حذف روادید بســـتر مناسبی برای سفر گردشگران خارجی به این کشـــور را فراهم و در آمد های این بخش را بیـــش از پیش افزایـــش دهند.(تبیان نیوز،۱۳۹۰) نمودار شـــماره ۳ بیانگر وضعیت گردشگری این کشور از سال ۱۹۹۵ لغایت ۲۰۱۱ می باشد.



**نمودار شماره۳) وضعیت جذب گردشگران بین المللی در کشور قرقیزستان(۲۰۱۱-۱۹۹۵)
(۲۰۱۳:۲۲۲,UNWTO)**

ترکمنستان

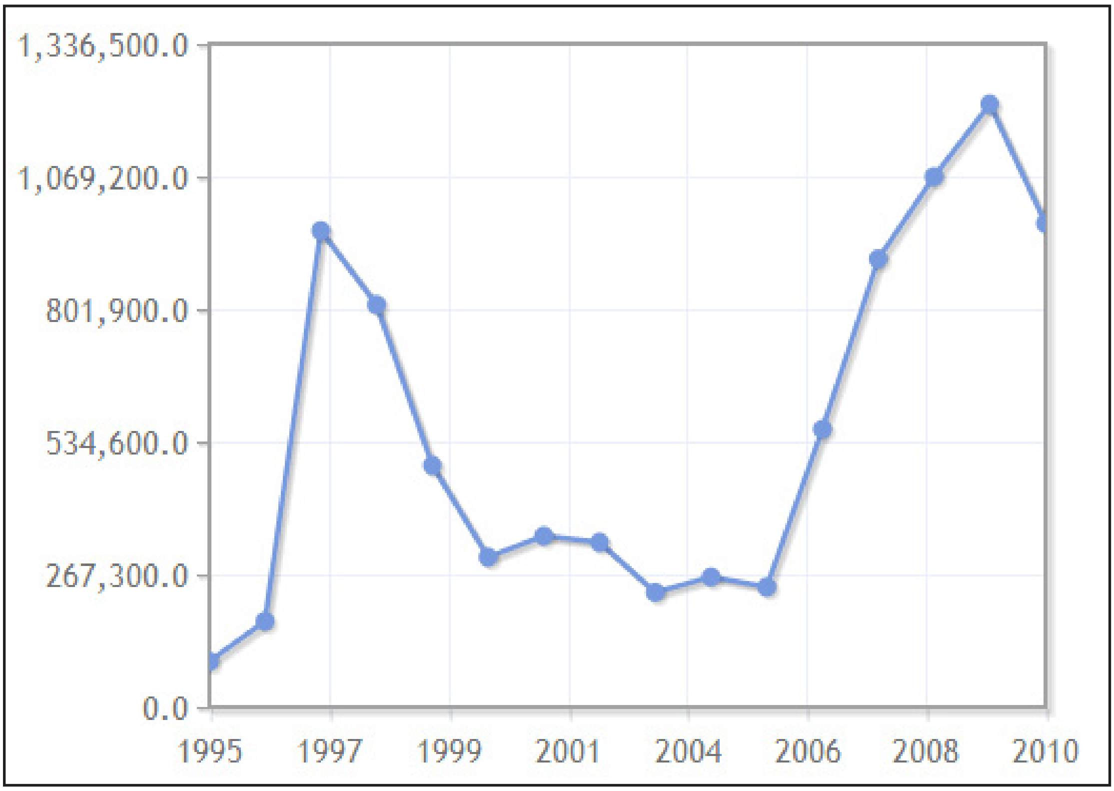
کشور ترکمنستان در شمال ایران و شرق دریای خزر واقع شده است. گردشگری در این کشور، در گذشته مورد توجه جدی قرار نگرفته بود اما امروزه تلاش های صورت گرفته شده برای توسعه گردشگری نشـــان دهنده سیاست های رو به پیشرفت گردشگری در این کشـــور است. بر اساس آمارهای ارایه شـــده از ســـوی رســـانه های ترکمنستان، سالانه بیش از ۱۲هزار گردشگر خارجی برای دیدن جاذبه های طبیعی و تاریخی ترکمنســـتان به این کشور سفر می کنند. هم اکنون ۱۰شـــرکت ســـیاحتی خصوصی و هفت شرکت دولتی در این کشور خدمات گردشگری به بیش از ۶۰هزار گردشگر داخلی و خارجی ارایه می کنند.(vista.ir) هر چند آمار و ارقام نشـــان دهنده کاهش نســـبی ورود گردشگر بین المللی به این کشـــور پس از سال ۱۹۹۹ می باشـــد که نمودار شـــماره ۴ مبین منحنی ورود گردشـــگر خارجی به این کشور از سال ۱۹۹۵ لغایت ۲۰۰۷است.



**نمودار شماره ٤) وضعیت گردشگری در کشور ترکمنستان از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۷ /http://www.indexmundi.com
facts/turkmenistan/international-tourism**

ازبکستان

ازبکستان از جمله کشــورهای تازه استقلال یافته پس از فروپاشی شوروی است. برخی از شهرهای ازبکستان دارای ابنیه های تاریخی و آثار باســتانی و هنری ایرانی است که قســمتی از میراث مشــترک فرهنگی ایران و آسیای مرکزی به شمار می رود.
(ایراس،۱۳۹۱) شهر تاریخی ســمرقند و بخارا از جمله شهرهایی هستند که در تاریخ ایران بزرگ جایگاه ویژه ای به خود اختصاص داده اند.
علاوه بر آن وجود مقبــره های مشــاهیر و ابنیه های تاریخی خود بر اهمیت تاریخی و فرهنگی این کشور در حوزه اشتراکات فرهنگی کشــورهای میراث دار تمدن ایرانی افزوده است.
گردشــگری این کشور از ســال ۲۰۰۶ تا به امروز رشد محسوسی داشته است که نمودار شــماره ۵ بیانگر این مساله می باشد.



نمودار شماره ۵) وضعیت گردشگری در کشور ازبکستان از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۷http://www.indexmundi.com/facts/ uzbekistan/international-tourism

افغانستان

اگرچه گردشــگری در کشــور افغانســتان پس از روی کارآمدن گروه های جهادی و بنیادگرا ســخت مورد بی مهری و حتی آســیب های جدی قرار گرفت اما لازم به ذکر اســت که به لحاظ دارا بودن میــراث تاریخی ایران قدیم کشــور افغانســتان یکی از مهمتریــن مناطق در بر گیرنده بناهای تاریخی و شهرهایی چون هرات، غزنی، بامیان، بلخ، ســمنگان و ... می باشد که آثار قابل توجهی از میراث فرهنگی و تاریخی ایــران قدیم را در جای داده است. رویکرد گروه های بنیادگرایی چون طالبان مبارزه با آثار غیر اســلامی برجای مانده از گذشته بوده که می توان تخریب تندیس های بودایی در شــهر بامیان را از این جمله دانست.
(اطلاعات روز،۱۳۹۲) دولت فعلی افغانستان تلاش دارد تا با احیاء گردشگری از منافع این صنعت بهره مند گردد اگر چه به دلیل عدم اشراف امنیتی و انتظامیِ در مناطقی که بنیاد گرا ها اســتقرار دارند این امر عملاً تمام مناطق تاریخی افغانستان را در بر نمی گیرد فلذا به دلیل ریسک بالای سفر به افغانســتان عملاً از گردشگران از سفر به این کشور اســتقبال نمی نمایند. بنابراین آمار دقیقی از میزان ورود گردشــگران بین المللی و نیــز منافع مالی حاصل از آن در دسترس نمی باشد.

جدول شماره ۲) مشخصات مظاهر تمدنی مهم در کشورهای حوزه خراسان بزرگ (امیرفخریان،۱۳۸۹: ۱۳-) ۱۲ و مولفین

کشور	شهر	مظاهر تمدن تاریخی
ازبکستان	بخارا	مقرر سلسله سامانیان
		از مراکز مهم جهان اسلام با عناوینی همچون مهد اسلام، قبهٔ السلام و مدینهٔ السلام
		چشمه ایوب: بنایی یه یادبود چاهی که ایوب پیامبر احداث کرده بود
		از مهمترین شهرهای جاده ابریشم مسجد جامع شهر و مدرسه میرعرب
		آرامگاه امیراسماعیل سامانی
ازبکستان	سمرقند	گنجینه جیحون رصد خانه سمرقند شهرت کاشی و کاغذ آن در جهان اسلام
		پایتخت سلسله تیموریان مجموعه بزرگ آرامگاههای معروف به «شاه زند»
		مقبره قاسم بن عباس پسر عم پیامبر اکرم مجموعه میدان ریگستان
		مدرسه الغ بیک و آرامگاه تیمور
تاجیکستان	دوشنبه	کتابخانه بزرگ فردوسی
		تندیس حکیم ابوالقاسم فردوسی در بزرگترین میدان شهر
ترکمنستان	مرو	اقامت امام رضا علیه السلام در زمان خلافت مامون عباسی
		از مراکز مهم جهان اسلام با عنوان ام القرای خراسان
		مرکز حکومت حکام مسلمان تا قبل از سلسله طاهریان
		پایتخت سلسله سلجوقیان
		مقبره سلطان سنجر سلجوقی، خواجه یوسف همدانی، کاخ دختران و پسران
		ساخت مسجد جامع، میدان و دارالاماره توسط ابومسلم خراسانی
		از کهن‌ترین و حفاظت شده‌ترین شهرهای راه ابریشم در آسیای مرکزی
	میهنه	زادگاه و مدفن شیخ و عارف مشهور ابوسعید ابوالخیر
	عشق آباد	ویرانه های شهر تاریخی نسا پایتخت اشکانیان
	دندانقان	محل برخورد تاریخی و سرنوشت ساز غزنویان و سلجوقیان
افغانستان	هرات	قلعه اختیارالدین، مسجد جامع گوهرشاد، مرقد خواجه عبداله انصاری
	بامیان	بت های صلصال و شمامه، مجسمه های بودایی
	بلخ	مسجد نه گنبد، آتشکده نوبهار، بالاحصار بلخ، منارجنبان زادیان
	قندهار	چهل زینه، جاده عیدگاه، آرامگاه باباصاحب
	بدخشان	مقبره ناصرخسرو، ویرانه های بهارک، اشکاشم، توپخانه زیباک
	غزنی	ارگ غزنین، قصر سلطان مسعود غزنوی،مقبره سبکتکین، مقبره سنایی غزنوی
قرقیزستان	اوش	آرامگاه تاریخی تخت سلیمان

چالش های توسعه گردشـــگری در کشورهای حوزه خراسان بزرگ

توسعه گردشـــگری در کشـــورها، تابع عوامل مختلفی است که از مهمترین ان بحث امنیت در ابعاد انسانی، محیطی و سرمایه گذاری می باشد.

مجموعه کشورهای واقع در حوزه خراســان بزرگ هر یک دارای ریســک های مشـــخص در حوزه سیاســـی-امنیتی، اقتصادی و اجتماعی می باشند که در مجموع توسعه بخش گردشگرپذیری و نیز سرمایه گذاری در این حوزه را با چالش های جدی مواجه ساخته است.

جدول شماره۳) انواع و سطح ریسک ها در کشورهای حوزه خراسان بزرگ استخراج از نقشه: Political risk map ۲۰۱۳ (AON.com)

کشور ها / نوع ریسک	ایران	افغانستان	ترکمنستان	ازبکستان	قرقیزستان	تاجیکستان
پولشویی۱	*	*	*	*	-	*
عدم پرداخت های حاکمیتی۲	*	*	-	-	*	*
مداخله سیاسی۳	*	*	*	*	*	*
انقطاع در زنجیره تامین۴	*	*	*	*	*	*
ریسک نظارتی و حقوقی	*	*	*	*	*	*
جنایات سیاسی	*	*	*	*	*	*
ریسک انجام تجارت	*	-	*	*	-	*
آسیب پذیری بخش های بانکی	*	-	-	-	*	*
عدم توانایی دولت در ارایه محرک	-	-	*	-	*	*
میزان ریسک	خیلی زیاد	خیلی زیاد	زیاد	زیاد	زیاد	زیاد

اگرچه نسبت ریسک ها در هر یک از این کشورها به کشورهای دیگر می تواند تفاوت هایی داشته باشد اما همگونی در مواردی چون، پولشویی، مداخلات سیاسی، انقطاع در زنجیره تامین، ریسک های حقوقی، جنایات سیاسی باعث شده است تا سطح ریسک در این مناطق از مرحله زیاد تا خیلی زیاد باشد. بنابراین وجود تروریسم و جنایات سازمان یافته و همچنین بی ثباتی های ناحیه ای و نیز سیاست های دخالتی دولت های منجر به آن شده است که ظرفیت های گردشگری در منطقه مورد هدف مورد بهره برداری و برنامه ریزی جدی قرار نگیرد. سه عامل عمده دخیل در سیستم امنیت گردشگری که در حوزه کشورهای خراسان بزرگ حائز اهمیت می باشند عبارتند از:

الف)جرایم

جنگ و تروریسم

آشوبهای سیاسی یا مردمی

الف)جرایم: جرایم می تواند به شکل های زیر نمود پیدا کند:

سرقت

کلاهبرداری

زورگیری

تجاوز

قتل

دزدی دریایی

گروگانگیری

این جرایم ممکن است در اقسام مختلف از قبیل؛ جرایمی که توسط شهروندان علیه توریست ها، جرایمی که توریست ها علیه شهروندان و نیز جرایمی که توریست ها علیه توریست های دیگر و در نهایت جرایمی که به طور سازمان یافته علیه موسسات گردشگری بوجود می آید را در بر گیرد.(کریمی پاشاکی و بابائی، ۱۳۹۱: ۴۰۵)

ب)تروریسم: تهدیدات تروریستی می تواند در اشکال ذیل پدیدار گردند:

تروریسم داخلی

تروریسم بین المللی

تروریسم فراملی

در مورد ارتباط میان گردشگری و تروریسم می توان به سه زمینه مشترک اشاره کرد:

عملیات های تروریستی که علیه اهداف داخلی شکل می گیرد و گردشگران در اینداسته از عملیات ها قربانی می شوند

اقدامات تروریستی که اهداف اقتصادی را مد نظر قرار داده است

اقدامات تروریست که سیستم گردشگری و توریست ها را تحت تاثیر خود قرار می دهد.

ج) آشوب های سیاسی یا مردمی

این دسته از آشوب ها می تواند با وجود زمینه های داخلی از طریق محرک های درونی و بیرونی به وجود آید. انقلاب های رنگی، نارضایتی های صنفی و جنبش های اجتماعی علیه دولت و... از جمله مواردی هستند که می توانند ثبات داخلی را با چالش مواجه سازند.

نتیجه گیری

برای نیل به توسعه گردشگری به وجود آوردن ثبات نسبی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از اولویت های سیاست گذاران این عرصه می باشد. اگرچه چشم انداز گردشگری در حوزه کشورهای جنوب غرب آسیا رو به رشد است اما بروز بحران های ملی و منطقه ای و رشد گروه های افراط گرای اسلامی که با به کارگیری ابزارهای تروریستی فعالیت می نمایند، در بلند مدت آینده گردشگری را در منطقه مبهم می نماید.(مراجعه به جدول شماره۲) کشورهای حوزه خراسان بزرگ در منتهی علیه شمال شرقی کشورهای حوزه جنوب غرب آسیا، دارای مشترکات فرهنگی بسیاری با یکدیگر می باشد. در واقع تغییر نگرش به سیاست های فرهنگی و فرا رفتن از ملی نگری به مؤلفه های مشترک فرهنگی چون زبان، فرهنگ، مشاهیر و تاریخ مشترک است. مجموعه این موارد خود می تواند به عنوان توانمندی این دسته از کشور ها برای برقراری ارتباطات جدیدی در حوزه گردشگری باشد. شناسایی ظرفیت های گردشگری تحت عنوان تمدن ایرانی می تواند جهت برنامه ریزی توسعه گردشگری به کار رود از این رو توانمندی های محیطی و تاریخی کشور های حوزه مشترک تمدن ایرانی به گونه ای است که با تمرکز بر زیربنای ساختاری گردشگری می توان برنامه ریزی مناسبی جهت جذب گردشگر خارجی و یا فی ما بین نمود. این در حالی است که کشور های پیرامونی ایران چه هم مرز دریایی و چه هم مرز خشکی از گذشته تا کنون از فرهنگ ایرانی برخوردار بوده اند و تعاملات مختلف فرهنگی و اجتماعی میان کشور ایران و سایر کشور های منطقه در جریان می باشد. بنابراین در اولین گام می توان زمینه ها را برای جذب گردشگران کشورهایی اینچنین به نقاط گردشگری ایران مهیا ساخت و بدین صورت توسعه گردشگری منطقه ای را فراهم آورد.

لزوم همگرایـــی های منطقه ای ناشـــی از پیوســـتن به پیمان ها یا ســـازمان های منطقه ای و اشـــتراک منافع کشـــور های حوزه خراســـان بزرگ می تواند زمینه های رشد ســـرمایه گذاری متقابل را فراهم آورد. بنابراین برای توسعه گردشگری مناسب است با به کارگیری توانمندی ســـازمان هایی چون اکو در جهت جذب عضو جدید و نیز توســـعه اهداف اولیه آن با تغییر در اساســـنامه به تضمین منافع اعضا در حوزه گردشـــگری تاکید شود. گردشگری به دلیل قابلیت های بازده ای فـــراوان می تواند جایگزین مناسبی برای صادرات مواد خام باشـــد و این موضوع در گرو برقراری تعاملات مثبت و نیز کاهش ریسک سرمایه گذاری از طریق تامین امنیت ملی و منطقه ای می باشد. از این رو به برای نیل به امنیتی پایدار کشور های منطقه می بایست الگو های اقتصاد مشترک را جایگزین دیدگاه های امنیتی نمایند از این رو، ایجـــاد بازارچه های مرزی، حوزه های مشترک سرمایه گذاری گردشگری، توسعه مناطق آزاد و نیز حذف روادید در ورود و خروج مسافران و برقراری تسهیلات ســـفر و همچنین تلاش برای کاهش تنش ها از جمله دیگر اقداماتی اســـت که در صورت برقراری یک ارتباط چند جانبه می توان بر آن تاکید نمود.

کاهش ریســـک های امنیتی و ثبات سیاسی کشور های حوزه خراســـان بزرگ و نیز اولویت قرار دادن گردشگری متقابل به عنـــوان یکـــی از عوامل ایجـــاد همگرایی در ســـازمان ها یا پیمان های منطقه ای مـــی تواند منجر به توسعه گردشگری منطقه ای شود.

اصلاح ساختار های اساسنامه ای ســـازمان های منطقه ای در جهت ارایه مفادی با موضوعیت توسعه گردشگری متقابل

به کارگیری ظرفیت های دیپلماتیک از قبیل رایزنی های فرهنگی در سفارتخانه ها کشور های حوزه تمدن ایرانی جهت بسط ظرفیت های گردشگری

مد نظر قرار دادن توســـعه گردشگری منطقه ای در امضاء یادداشت تفاهم ها و پیمان های دو یا چند جانبه

حذف روادیـــد و ارایه تســـهیلات مرزی برای توســـعه گردشگری منطقه ای

سرمایه گذاری های مشترک دو یا چند جانبه در مناطقی چون مناطق آزاد جهت توسعه گردشگری

شناســـایی و ثبت آثار تاریخی و جغرافیایی به عنوان نماد های هویت ایرانی در ســـازمان های بیـــن المللی چون یونسکو

برگزاری همایش های بین المللی سرمایه گذاری در امور گردشگری در مناطق مستعد توسعه گردشگری

ایجاد سیســـتم امنیتی مشـــترک جهت کاهش ریسک ســـرمایه گذاری در امور گردشـــگری و نیز تامین امنیت گردشگران به خصوص در مناطق مرزی

شناســـایی نماد های تاریخی ایرانی در حوزه تمدنی ایران و مشارکت با کشـــور های دیگر جهت تعریف گردشگری از آن

بهبود روابط با کشـــور هـــای حوزه پیرامونی بـــا توجه به تعریف مشارکت های اقتصادی جهت توسعه گردشگری

منابع وماخذ

اطلاعات روز(۱۳۹۲) بیش از هـــزار بنای تاریخی در معرض نابـــودی قـــرار دارد: بیش-از-هزار-بنای-تاریخی-در-معرض-نابودی-ق//:http /www.etilaatroz.com

امیرفخریان، مصطفی(۱۳۸۹) نقش گردشگری تاریخی در گسترش ارتباط ایران و کشور های آسیای مرکزی، دومین همایش بازنگری روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی-دانشگاه فردوسی مشهد

ایراس(۱۳۹۱) گردشگری ازبکستان، w۶djmagiiw.html.http://www.iras.ir/vdcfmjd۰

آجرلو، حسین(۱۳۸۷) همگرایی، aspx.۲۹-http://hoajorloo.blogfa.com/post

پاپلی یزدی، محمد حسین و مهدی سقایی(۱۳۸۶) گردشگری(ماهیت و مفاهیم)، تهران: انتشارات سمت

تبیان نیوز(۱۳۹۰)قرقیزستان گردشگری خود را توســـعه می دهد: .htmlقرقیزستان+گردشگری+خود+را+توســـعه+می‌دهد.http://www /۴۱۷۵۳/tebyannews.com/article

توده روستا، فاطمه(۱۳۹۰)مقدمه ای بر اثربخشی جهانگردی بر فرهنگ، ۱۱۷۸۶/http://anthropology.ir/node

رمضانی خردمری، حسین(۱۳۹۰) خلاصه طرح اتحادیه کشورهای وارث تمدن ایرانی، aspx.۳۴-http://inunion.blogfa.com/post

شکویی، حسین(۱۳۷۷) فلسفه جغرافیا، چاپ نهم، تهران: انتشارات گیتاشناسی

عزتی، عزت الله و عابدین قاسمیان و سجاد کریمی پاشاکی(۱۳۹۱)تحلیلی بر ژئوپلیتیک خراسان بزرگ و تاثیر آن بر مناطق شرقی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه خراسان بزرگ، شماره ۶، بهار ۱۳۹۱

علیوا، اصیل عثمان(۲۰۱۱) تلاش قرقیزســـتان بـــرای احیـــای گردشـــگری، /http://centralasiaonline.com/fa/articles/caii ۰۱-feature/۲۵/۰۵/۲۰۱۱/features/main

فالتزگراف، رابرت و جیمز دئورتی(۱۳۸۹) نظریه های متعارض در روابط بین الملل، مترجم: وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: انتشارات قومس

فرجی راد، عبدالرضا و ســـجاد کریمی پاشـــاکی و معصومه بابائی(۱۳۹۲)تحلیل همگرایی های منطقه ای با تاکید بر توسعه گردشگری خلیج فارس، فصلنامه علمی تخصصی گردشگری و چشم انداز آینده، سال سوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۲

قوام، سید عبدالعلی(۱۳۹۰) روابط بین الملل، نظریه ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت

کاظمی زاده، شمس الله و دیگران(۱۳۸۹) نقش گردشگری در همگرایی های فرهنگی کشور های عضو OIC، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، سیستان و بلوچستان: دانشگاه زاهدان

کریمی پاشاکی، ســـجاد و معصومه بابائی(۱۳۹۱) تحلیل همگرایی های منطقه ای در جذب گردشـــگر(مطالعه موردی خاورمیانه)، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

کریمی، محمود(۱۳۸۹) نظریه های همگرایی در روابط بین ملل، روزنامه رسالت سال بیست و پنجم شماره ۷۰۳۱، سه شنبه ۲۲ تیر ۱۳۸۹

کولایی، الهه(۱۳۷۹) تحول در نظریه های همگرایی، فصلنامه حقوق، شماره ۴۸، تابستان ۱۳۷۹، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، صص ۱۹۴-۱۵۵

کاظمی، مهدی(۱۳۸۶) مدیریت گردشگری، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت

مجیدی، محمدرضا و دیگران(۱۳۸۷) غرب آسیا، نظام بین الملل و همگرایی منطقه ایی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی، اجتماعی

مشیرزاده، حمیرا(۱۳۸۹). تحول در نظریه های روابط بین الملل. چاپ پنجم. تهران: سمت

ولایتی، علی اکبر و رضا ســـعید محمدی(۱۳۸۹) تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام، فصلنامه دانش سیاسی، سال ششـــم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۷۹-۱۵۱

http://vista.ir/article/305700

AON(2013)Political risk map 2013, www.aon.com

Fossen ,Anthony van and Lafferty, George.(2001)." Contrasting models of land use regulation: community,government and tourism development". Community Development Journal,Oxford University Press,Vol.36, No. 3, Pp. 211-198, Online ISSN 2656-1468 - Print ISSN 3802-0010.

Tamara, Ratz(2002)the socio cultural impacts of tourism, Budapest university of economic, Sciences-tourism research paper

UNWTO (2013)»UNWTO Tourism Highlights«, at: www.unwto.org/facts

Van Ginkel, H. and Van Langenhove, L (2003)"Introduction and Context" in Hans van Ginkel, Julius Court and Luk Van Langenhove (Eds.), Integrating Africa: Perspectives on Regional Integration and Development, UNU Press, 9-1

http://se7en5.persiangig.com/image/iran20%map/iran21)20%).JPG

http://www.indexmundi.com/facts/turkmenistan/international-tourism

http://www.indexmundi.com/facts/uzbekistan/international-tourism